

یادداشت



چرا بی عملگر دنا مناسب بانک‌ها در پرداخت وام



با نهاد‌های مشابه به عنوان متولی سیاست پولی، بر جریان اعتبارات بانکی به نحوی است که اختیارات بانک‌ها برای تخصیص اعتبار به حوزه‌های مختلف را محدود و معین می‌کنند. به عبارت دیگر، این گونه نیست که مؤسسات مالی و اعتباری و بانک‌ها اجازه داشته باشند منابع مالی تجهیز شده را به هر نحوی و به هر موضوعی یا به هر میزانی که تمایل دارند تخصیص دهند. نهاد بانک مرکزی نظارت دقیقی بر تخصیص اعتبارها دارد تا مشخص شود پول‌ها به کجا می‌رود و در چه بخشی سرمایه‌گذاری می‌شود چرا که آزادی عمل بیش از حد در مدیریت جریان اعتبارات موجب کاتالیزه شدن منابع مالی توسط مؤسسات مالی و بانک‌ها به سمت اهداف شخصی مالکان‌شان خواهد شد. از سویی عملکرد تاریخی بانک مرکزی در خصوص هدایت اعتبارات بانکی نشان می‌دهد که جای کار زیادی برای نظارت وجود دارد. در این رابطه برخی بانک‌های خصوصی و مؤسسات مالی در کشور با هدف ایجاد رقابت و خدمات‌دهی مناسب به مردم تأسیس شد، اما به جای خدمات‌دهی و سرویس‌رسانی مناسب و همچنین تأمین نیازهای مردم و رونق اقتصاد کشور، منابع تجهیز شده را به سمت منافع صاحبان سهام این مؤسسات گسیل کردند.

موضوعی که منجر به بروز مشکلات برای برخی بانک‌ها و ادغام برخی از آن‌ها در دیگر بانک‌ها شد. همان‌طور که اشاره شد در ۲۰ سال گذشته، برخی مؤسسات مالی خصوصی ایجاد شدند، اما چنان به وضع ناترازی افتادند که چاره‌ای جز ادغام و پوشش زیان انباشته نداشتند. مسئله‌ای که به دلیل بی‌قاعدگی، سرپیچی از مقررات بانک مرکزی و... به وجود آمد. رفتار بانک‌ها باید به سمت مسیر درست و اصولی اصلاح شود. هم‌اکنون چند بانک در کشور وجود دارند که دولت باید اختیار سهام آن‌ها را در کنترل بگیرد، چرا که سقف مالکیت ذی‌نفع واحد در آن‌ها بر اساس قواعد حاکمیت شرکتی بانک‌ها رعایت نشده است. حسب ضوابط حاکمیت شرکتی، سهام‌داری در بانک‌ها باید محدود باشد تا افراد نتوانند بیش از درصد مشخصی از سهام یک بانک را داشته باشند، زیرا مالکیت ذی‌نفع واحد موجب شده بانک‌ها هم‌اکنون بخش عمده اعتبارات را به شرکت‌های مورد نظر مالکان خود اختصاص دهند. در چنین شرایطی مشخص می‌شود که در نظام بانکی کشور سازوکاری درست و اصولی برای مدیریت اعتبارات وجود ندارد. یکی از چالش‌های دیگر این است که اگر چه در بحث اعتبارسنجی مشتریان بانکی که به عنوان ابزاری کمکی برای کاهش وثیقه‌ها در وام‌های خرد راه افتاده است، در تسهیلات کلان توجه چندانی به اعتبارسنجی نمی‌کنند. تصمیم‌گیران بانک مرکزی و سیاست‌گذاران باید به موضوع قاعده‌گذاری در اعطای وام و تسهیلات توجه ویژه داشته باشند و ترتیبی اتخاذ کنند که پرداخت وام و تسهیلات کلان حتماً با نظارت دقیق و تأیید اعتبار متقاضی و نظارت بانک مرکزی صورت گیرد. وقتی اعتبارات زیادی بدون نظارت و با احتمال بازگشت پایین از سیستم بانکی خارج می‌شود، شبکه بانکی برای تأمین ناترازی خود مجبور به اضافه برداشت از بانک مرکزی و به تبع آن خلق پول خواهد شد. همچنین برخی بانک‌ها با خروج از فعالیت ذاتی خود، یعنی واسطه‌گری پولی و مالی، وارد بنگاهداری و سرمایه‌گذاری در بازارهای سفته‌بازانه و پرسود شده‌اند. محدودیت‌های اعمال شده از سوی بانک مرکزی در نحوه سرمایه‌گذاری در بازارهای سفته‌بازانه موجب شده بانک‌ها برای آزادی عمل بیشتر وارد شرکت‌داری شوند و سرمایه‌گذاری‌های مورد نظر خود را از طریق شرکت‌های تحت مدیریت خود انجام دهند. حال باید دید آیا در آینده بانک‌ها به وظایف اصلی خود که همانا تأمین مالی بخش تولید و ارائه تسهیلات خرد به مشتریان است عمل خواهند کرد، یا همچنان در این رابطه با چالش‌های فعلی دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

میزگرد «آتی‌نو» پیرامون تأمین مالی بخش خصوصی

در خواست تولیدکنندگان برای تسهیل دریافت وام

قرار می‌دهند، گله دارند. در همین رابطه مسعود دانشمند، دبیر کل اسبق خانه اقتصاد ایران و کارشناس اقتصادی و حمیدرضا صالحی، دبیر کل فدراسیون صادرات انرژی و صنایع وابسته ایران در گفت‌وگو با «آتی‌نو» در این زمینه به بیان نقطه‌نظرات خود پرداخته‌اند.

سرمایه‌گذاری و افزایش شفافیت در بنگاه‌های بزرگ هم کمک خواهد کرد. بر این اساس می‌توان تأمین مالی بنگاه‌های بزرگ را از طریق بازار سرمایه انجام داد. در چنین شرایطی نقدینگی موجود در بازار سرمایه به سمت رونق تولید و رشد اقتصادی سوق داده شده و وضعیت بهتری از مصرف‌نقدینگی در کشور ایجاد و همچنین جلوی بسیاری از ریسک‌ها گرفته می‌شود.

بازار سرمایه از طریق چه سازوکاری می‌تواند برای تأمین مالی بخش تولید اقدام کند؟

حمیدرضا صالحی: در این رابطه می‌توان گفت بازار سرمایه به واسطه آنکا به حجم وسیعی از منابع مالی خرد از طریق توسعه مشارکت عموم مردم و با آنکا به ابزارهای نوین، توان تأمین مالی بالایی دارد که می‌تواند کمک شایانی به اجرای پروژه‌های عظیم در کشور داشته باشد. منابع سرگردان نیز به بازار سرمایه هدایت خواهند شد، مشروط بر آنکه معرفی ظرفیت‌های این بازار به عموم افراد جامعه از سوی دولت دنبال شود. از سویی فعالان اقتصادی بخش خصوصی و تولیدکنندگان باید با ابزارهای نوین مالی آشنا شوند و از کارکرد آن‌ها اطلاع یابند و در عمل از آن بهره بگیرند. من معتقدم برخی فعالان اقتصادی خیلی از تحولات ابزارهای مالی نوین را نمی‌شناسند و آن‌ها را به کار نمی‌گیرند.

نظام رتبه‌بندی و اعتبارسنجی مالی در رابطه با تأمین مالی بهتر و سهل‌تر بخش تولید چگونه می‌تواند نقش ایفا کند؟

حمیدرضا صالحی: اگر نهادهایی مانند شرکت‌های رتبه‌بندی در کشور فعال باشند، هر واحد تولیدی بر اساس ظرفیت و رتبه مشخص خود می‌تواند از بازار سرمایه و بازار مالی استفاده کند. در اینجا قدرت لایه‌گری و رانت موضوعیت و اهمیت خود را از دست می‌دهد. این در حالی است که لایه‌گری برای اخذ تسهیلات بانکی یکی از مواردی است که می‌تواند تبعات خاص خود را داشته باشد، اما اگر یک نظام رتبه‌بندی اعتباری معتبر در کشور وجود داشته باشد، مشکلات این حوزه حل خواهد شد.



آیا وجود بانک‌های تخصصی در زمینه اعطای تسهیلات به بخش‌های مختلف تولید مثر است؟ مسعود دانشمند: بله، در این رابطه بانک‌هایی اعلام می‌کنند که چون در بخش‌های مختلف تخصص نداریم، امکان ورود به این حوزه‌ها برایمان مقدور نیست. فارغ از این موضوع، بانک‌ها در همان ابتدا به متقاضی اعلام می‌کنند سود تسهیلات مقدار مشخصی است که باید پرداخت شود. این در حالی است که وجود بانک‌های تخصصی در اقتصاد کشور یک نیاز مبرم است و به جای تعداد زیاد بانک‌های تجاری، جای خالی بانک‌های تخصصی بسیار حس می‌شود.

آیا این امکان وجود دارد که نظام تأمین مالی ایران از بانک‌محور بودن به سوی بازار سرمایه‌محوری حرکت کند؟

حمیدرضا صالحی: بله، می‌توان این موضوع را دنبال کرد. در این رابطه استفاده از ظرفیت بازار سرمایه نه تنها باعث کاهش فشار بر بانک‌ها و هدایت منابع آن‌ها به سمت شرکت‌های کوچک و متوسط می‌شود، بلکه به مدیریت بهتر ریسک

در حال حاضر بر اساس آمارهای موجود نزدیک به ۹۰ درصد تأمین مالی بخش تولید و صنعت کشور توسط بانک‌ها از طریق اعطای تسهیلات انجام می‌شود، اما در این راه همواره تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی از نحوه برخورد بانک‌ها در فرایند دادن وام به واحدهای تولیدی و مواعیتی که بر سر راه آن‌ها

در سود شریک می‌شوند. اگر تولیدکننده نتواند به هر دلیلی به تعهدات خود عمل کند، اصل و سود تسهیلات دریافتی را می‌گیرد. عملاً در چنین وضعیتی، بانک‌ها برنده هستند. در صورتی که اگر یک کارخانه با زیان روبه‌رو می‌شود، با توجه به قرارداد مشارکتی، بانک هم باید این زیان را متقبل شود، اما هیچ‌گاه چنین موضوعی رخ نمی‌دهد.

چرا در قراردادهای مشارکتی چنین مسائلی به تولیدکننده تحمیل می‌شود؟

مسعود دانشمند: در این زمینه دو مشکل اصلی وجود دارد؛ نخست آنکه این گونه قراردادهای به‌درستی اجرا نمی‌شوند. به طور مثال بانک برای تولید لوازم خانگی ۳۰ درصد مشارکت می‌کند. در نهایت پس از اتمام کار و به نتیجه رسیدن، از محل سود ۳۰ درصد به بانک تعلق می‌گیرد. در صورتی که در حال حاضر به این شیوه نبوده و بانک تسهیلات خود را پرداخت کرده و سود خود را حتی به قیمت ضرر تولیدکننده، دریافت می‌کند. در صورتی که چنین رویه‌ای غلط است و نباید ادامه پیدا کند که حاصل کار به ضرر تولیدکننده تمام شود.

۳ ریشه اصلی نارضایتی مردم از عملکرد بانک‌ها

در حالی که در شرایط تورمی همواره گرفتن تسهیلات بانکی یکی از مسائلی است که مورد توجه عامه مردم قرار می‌گیرد، اما در چند سال اخیر همواره بانک‌ها برای دادن وام به مشتریان عادی خود مقاومت می‌کنند و مردم برای اخذ تسهیلات با موانع متعددی روبه‌رو هستند. این موضوع تا آنجا کشیده شد که وزیر اقتصاد در نامه‌ای به رئیس کل بانک مرکزی نسبت به انحراف بانک‌ها و مؤسسات خصوصی در اعطای تسهیلات به متقاضیان بخصوصی در استان‌ها هشدار داد.

نامه سید احسان خاندوزی از آنجائشأت می‌گیرد که بر اساس آمار رسمی بانک مرکزی، توزیع وام‌های بانکی در بین استان‌های کشور عادلانه نیست و اکثر استان‌ها عملاً در چرخه اعطای وام قرار نمی‌گیرند. بر همین اساس وزیر اقتصاد

کامران ندری، کارشناس مسائل اقتصادی در گفت‌وگو با «آتی‌نو» با اشاره به اینکه می‌توان سه عامل اصلی را برای عدم اعطای تسهیلات به مردم از سوی بانک‌ها برشمرد، گفت: «بسیاری از بانک‌ها دچار ناترازی هستند و این نخستین عامل است. اولین اثر ناترازی در حساب بانک‌ها این است که آن‌ها را با محدودیت منابع روبه‌رو می‌کند. طبیعتاً در چنین وضعیتی اعطای تسهیلات با کم‌وکاستی‌هایی مواجه می‌شود که خروجی آن نارضایتی مردم است.»

اصلاح ساختار بانکی

افزود: «بانک‌ها باید ساختار خود را اصلاح کنند؛ زیرا با این وضعیت دیگر نمی‌توانند ادامه دهند. طی سال‌های اخیر مشکلات نظام بانکی روی هم تلنبار شده است. طبعاً زمانی که بانک‌ها نتوانند به‌درستی عمل کنند، نمی‌توان انتظار داشت خدمت‌رسانی به مردم در قالب اعطای وام نیز درست انجام شود. البته ذکر این نکته ضروری است که بانک‌ها طبیعتاً دنبال این هستند که سطح تسهیلات‌دهی خود را مدیریت کرده و در این زمینه سخت‌گیری کنند. در حال حاضر افرادی وجود دارند که از میزان اعتبار بالایی برخوردارند، اما بانک‌ها از زیر دادن تسهیلات به آن‌ها شانه خالی می‌کنند.»

این اقتصاددان با اشاره به اینکه عامل دوم در این زمینه پایین بودن نرخ سود بانکی است، گفت: «در حال حاضر به دلیل اینکه فاصله معناداری بین نرخ تورم واقعی در اقتصاد با نرخ بهره بانکی وجود دارد، هر زمانی یک فرد وام بانکی با سود ۱۸ درصد دریافت کند با توجه به تورم ۴۲ درصدی در همان ابتدا با سود ۲۴ درصدی روبه‌رو می‌شود. در چنین شرایطی افراد

میزگرد

رأی‌نویس

روزنامه‌نگار

در ابتدای بحث به این موضوع بپردازیم که چرا نظام بانکی آن گونه که باید و شاید، نتوانسته در تأمین مالی بخش تولید و اعطای تسهیلات به تولیدکنندگان موفق عمل کند؟

مسعود دانشمند: ریشه اصلی این موضوع برمی‌گردد به اینکه سود بخش تولید در یک سال حداکثر ۱۰ درصد است و طبیعتاً در این وضعیت، بانک به عنوان یک بنگاه اقتصادی ترجیح می‌دهد منابع خود را در بخشی وارد کند که تضمین شده است. بر همین اساس، به سراغ شرکت‌هایی که کارهای بازرگانی انجام می‌دهند - و به نوعی دستی در واردات دارند - می‌روند. به دلیل سودآوری این شرکت‌ها، بانک خیالش راحت است که می‌تواند با آن‌ها کنار بیاید و اگر شرکت نتواند به تعهدات خود در قبال بانک عمل کند، بانک به راحتی شرکت را توقیف می‌کند. اما در مورد یک کارخانه چنین اجازه‌ای به بانک به دلیل تبعات این کار - از جمله تعطیلی بنگاه تولیدی - داده نمی‌شود. بنابراین بانک‌ها سعی می‌کنند تا جای ممکن، از دادن تسهیلات به بخش تولید خودداری کنند.

حمیدرضا صالحی: بانک‌ها به‌رغم اینکه همیشه در قراردادهایی که با تولیدکنندگان منعقد می‌کردند، برنده بودند. طی یک سال اخیر به دلیل افزایش تورم و مشکلاتی که از جهت تأمین منابع نقدی با آن روبه‌رو بودند، رغبتی برای اعطای تسهیلات به بخش تولید ندارند که این موضوع مشکلات زیادی را برای این بخش به وجود آورده است.

چگونه بانک‌ها در قراردادهایی که با بخش تولید منعقد می‌کنند، همیشه برنده هستند؟

حمیدرضا صالحی: در این رابطه طبیعتاً وقتی بانک قرارداد مشارکتی با کارخانه تولیدی منعقد می‌کند، باید در سود و زیان آن نیز شریک باشد، اما عملاً بانک‌ها با توجه به پندهایی که در قراردادهای واحدهای تولیدی منعقد می‌کنند، همواره تنها

گزارش

با توجه به وجود تورم تقاضای زیادی برای دریافت وام دارند، چرا که این موضوع را فرصتی برای خود می‌دانند که می‌تواند طی چند سال از لحاظ مالی سود خوبی به آن‌ها برساند. ندری ادامه داد: «طبیعتاً در چنین وضعیتی تقاضا برای اخذ وام بسیار زیاد شده است. از آن طرف با توجه به ناترازی که در ابتدا به آن اشاره شد، بانک‌ها با محدودیت منابع روبه‌رو هستند و طبعاً منابع محدود آن‌ها، پاسخگوی سبیل تقاضاها برای دریافت وام نخواهد بود. هر ساله بسیاری از مردم با وجود درخواست‌های زیاد موفق نمی‌شوند تسهیلات مورد نیاز خود را دریافت کنند. این در حالی است که پایین بودن نرخ بهره در اقتصاد ایران، باعث ایجاد انواع و اقسام مفسده، رانت و سوءاستفاده‌هایی شده که طی این مدت شاهد بوده‌ایم در قبال اعطای تسهیلات به برخی افراد رخ داده است.»

این کارشناس مسائل اقتصادی با اشاره به اینکه عامل سوم، در این زمینه چالش بوروکراسی است، گفت: «معضل دیگر این است که بانک‌ها برای دادن وام به متقاضیان، فرایندهای اخذ تسهیلات را طی این سالیان با بوروکراسی خسته‌کننده‌ای همراه کرده‌اند تا میزان وام‌دهی خود را کاهش دهند. در حال حاضر به دلیل تقاضای زیاد برای اخذ وام، بانک‌ها مقاومت زیادی می‌کنند تا به این تقاضاها پاسخ ندهند. اخذ تضامین سنگین برای وام‌ها و همچنین فرایند بوروکراتیک برای گرفتن وام را باید در همین زمینه ارزیابی کرد.»

راهکار خروج از بحران

با توجه به اینکه در طی یک سال اخیر شیوه اعتبارسنجی جایگزین شیوه سنتی دریافت وام شده، اما باز هم این موضوع



سنتی به سمت شیوه اعطای وام بر اساس اعتبارسنجی حرکت کند. وام‌دهی به شیوه سنتی برای بانک‌ها هزینه‌های بسیار زیادی دارد. اگر این شیوه کنار گذاشته شود و اعتبارسنجی به صورت کلی جایگزین شود، بدون شک می‌تواند در وقت و هزینه صرفه‌جویی شود. این موضوع برای مردم هم مصادق دارد. بنابراین برای خود بانک‌ها نیز بهتر است که در این مسیر دست‌اندازی ایجاد نکرده و آن را انجام دهند. حال باید دید آیا در این زمینه با توجه به تأکیدی که در زمینه تسهیل پرداخت وام‌های خرد به مردم شده، وضعیت فعلی از سوی بانک‌ها ادامه داده خواهد یافت یا شاهد تغییر و تحولانی خواهیم بود.»

با کاستی‌هایی روبه‌رو بوده است. ندری می‌گوید: «برای وام‌های خرد در بانک‌ها، امکانات و زیرساخت‌های خوبی برای اعتبارسنجی مشتریان وجود دارد و به نوعی بانک‌های اطلاعاتی آن‌ها در این زمینه جوابگو است. هر چند این کار ممکن است در ابتدا ایده‌آل نباشد، اما برای آغاز اعتبارسنجی مشتریان خرد به منظور دریافت تسهیلات کفایت می‌کند و مشکلی در این زمینه وجود ندارد. بنابراین بانک‌ها باید در این زمینه با مشتریان کنار بیایند و هیچ بهانه‌ای از طرف آنان قابل قبول نیست.»

این کارشناس مسائل اقتصادی گفت: «باید شیوه وام‌دهی